

THE WORLD'S GREATEST COMIC MAGAZINE!

DEADPOOL



DUGGAN
HAWTHORNE
PALLOT
GURU eFX

COMIC CITY

MARVEL

004

انتقام جو ... قاتل ... سوپرستار ... آدم بد بو ... اگه ماهرترین مزدور دنیا نباشه، قطعا رو مخ ترین هست. وید ویلسون واسه یه برنامه ی فوق سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش یه سری قدرت داد که بتونه هر زخمی رو درمان کنه. ولی یه جورایی، با اینکه فقط پولشو میگرفت کارش رو میکرد، وید تبدیل به پرترفدارترین "قهرمان" تو دنیا شد. صدش کنین پول پرست وراج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...

ددپول!



L'I'L DEADPOOL ART BY IRENE Y. LEE

وای پسر ...
ادسیت بیچاره ...

به به، سلام به همه شما ددپولیا! منم ددپول، داشتم قسمت قبلی مجله ی فوق العاده ام رو میدیدم.

خوب، قضیه اینطوره که من یه سری افراد رو استخدام کردم -- سفره ماهی، دلکک، تک پر، کلاه دیوونه، وحشت و احمق کش -- تا برای من کار کنن، مثل من لباس پوشن و به جای من برن سر ماموریتا. مشکلتش چیه خوب؟

در نتیجه ی اینا، حالا من حسابی پولدار مولدار و معروفم ... که واسه من معرکه است.

قسمت بد ماجرا اینه که به جز اینایی که من پول میدم تا خودشون رو به جا من جا بززن، یکی دیگه هم هست که اینکار رو مجانی داره انجام میده ... لباس منو میپوشه و مردم و میکشه تا منو بدنام کنه.

من یه نقشه کشیدم که اونا رو گیر بندازم. این نقشه منو به رفیقم اسکات ادسیت رسوند که مثل سگ کتک خورده بود.

اونقوت مردم هی میگن چرا این همش سعی میکنه از دوستاش و دخترش فاصله بگیره ...

آها آها یه چیز دیگه! امیدوارم که کتاب جدیدم که اسمش ددپول سه نقطه یک -- رو خونده باشین، یه کتاب کوچولونه که به اسپانیاییه. توش یه یارو به اسم ماساکری معرفی میشه که مکزیکیه و علاقه ی خاصی هم به من داره.

به هر حال گفتم که در جریان باشین.

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

Gerry Duggan writer
Mike Hawthorne penciler
Terry Pallot inker
Guru-eFX colorist
VC's Joe Sabino letterer
Mike Hawthorne & Jordie Bellaire cover artists
Gerry Duggan, Scott Koblish, Guru-eFX & VC's Joe Sabino #secretcomic variant
Heather Antos assistant editor
Jordan D. White editor
Axel Alonso editor in chief
Joe Quesada chief creative officer
Dan Buckley publisher
Alan Fine executive producer

COMIC CITY

کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

© 2015 Marvel Characters, Inc. All rights reserved. All characters featured in this issue and the distinctive names and likenesses thereof, and all related indicia are trademarks of Marvel Characters, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental. WWW.MARVEL.COM



امم ... سلام؟

خوشحالم
که میبینم بیداری.

میدونی کی
هستی؟



آره ... اسم
من ...

اسمت رو نگو
لطفاً. فقط میخواستم
مطمئن شم که میدونی
کی هستی.



میتونی منو پرستار شب
صدا کنی، و تو اینجایی چون
که کسی که آوردت اینجا
نمیدوست دیگه کجا
میتونه برت.



دوستم در خطر،
یکی هست که داره خودش
رو جای ددپول جا میزنه.
من باید ...

من هیچی راجع به
این قضایا نمیدونم، ولی
شاید رفیقت بتونه برات
قضیه رو روشن کنه.



نه، خواهش میکنم!
من نمیخوام ددپول
رو ببینم!!



خوبه، چون
اون اینجا نیست.

خوشحالم که
پاشدی. میتونی اسلحه
بگیری دستت؟

واقعا اینا
لازمه؟

قضیه چیه؟ من فکر
میکردم دارم به ددپول میگم
که واقعا چه بلایی سر والدینش
اومده، ولی اون ... یکی دیگه
بود. یکی که تا حالا
ندیده بودم.

بالاخره
میفهمیم چه خبره.



واقعا باید فعلا
رو تخت بمونه، حداقل
واسه چند شب.

شرمنده
دُکی.



متاسفانه انقدر
وقت نداریم.



اینجا رو نگاه کنین خانم ددپول.



WHOK

"خانم ددپول؟؟"
چه اسم مسخره ای واسه صدا کرده منه!!



و تازه حتی اگه اجازه بدم با اون اسم کسی منو صدا کنه، اصلا معلوم نیست تا چند وقت مزدوج بمونیم ...



وقتی که شوهرم همش تو اون باشگاه مسخره داره با نوکراش خاله بازی میکنه.



دیگه هیچکدومتون حق ندارین لباس قرمز منو پوشین.

فهمیدین؟ کسی لباس منو پوشه هم حق اخراج کردنش رو دارم هم حق کشتنش رو.

برام جالبه، به نظر من که خیلی خوب شدن.



خودت گفتمی که فقط حق داریم لباس قرمز تورو بپوشیم!

من خشنم، بنفش بهم نمیداد.

به نظر من که همه اینا تقصیر خودته.

از این به بعد اینطوریه پس.

همه چی خوب پیش میره.

چرا من زردم؟

همین که کل عملیات رو تعطیل نکردم برین خدارو شکر کنین.



به علاوه ی کارای مزدورانه ی روزانتون، دنبال کسی که داره خودش رو به جا من جا میزنه هم میگردین.

خیلی خوب، اون بیرون مواظب خودتون باشین.



تو برات مهم نیست که ما مواظب خودمون باشیم یا نه.

نه، فقط فکر کردم چی مودبانه ایه که بگم.



همه برگردین سر کارتون.

گروه تاندربولت هنوز سر کارشون هستن؟ به نظرتون نیرو جدید میگیرن؟

اگه سر راهتون کسی رو دیدین که لباس قرمز منو میپوشه، در نگاه اول بهش شلیک کنین.



چشم قربان.

BLAM

آآآخخ!



خیلی خوب، حقم بود.



دیگه بیشتر از این نمیتونی بیچونیم ددپول!

باید راجع به وضع مالی کارت صحبت کنیم.



حق با تونه. بریم سر راه صحبت میکنیم.

سر راه ... سر راه کجا؟

KLIK



میله سواری رفیق! واسه یه تفنگ بازی دیرم شده.

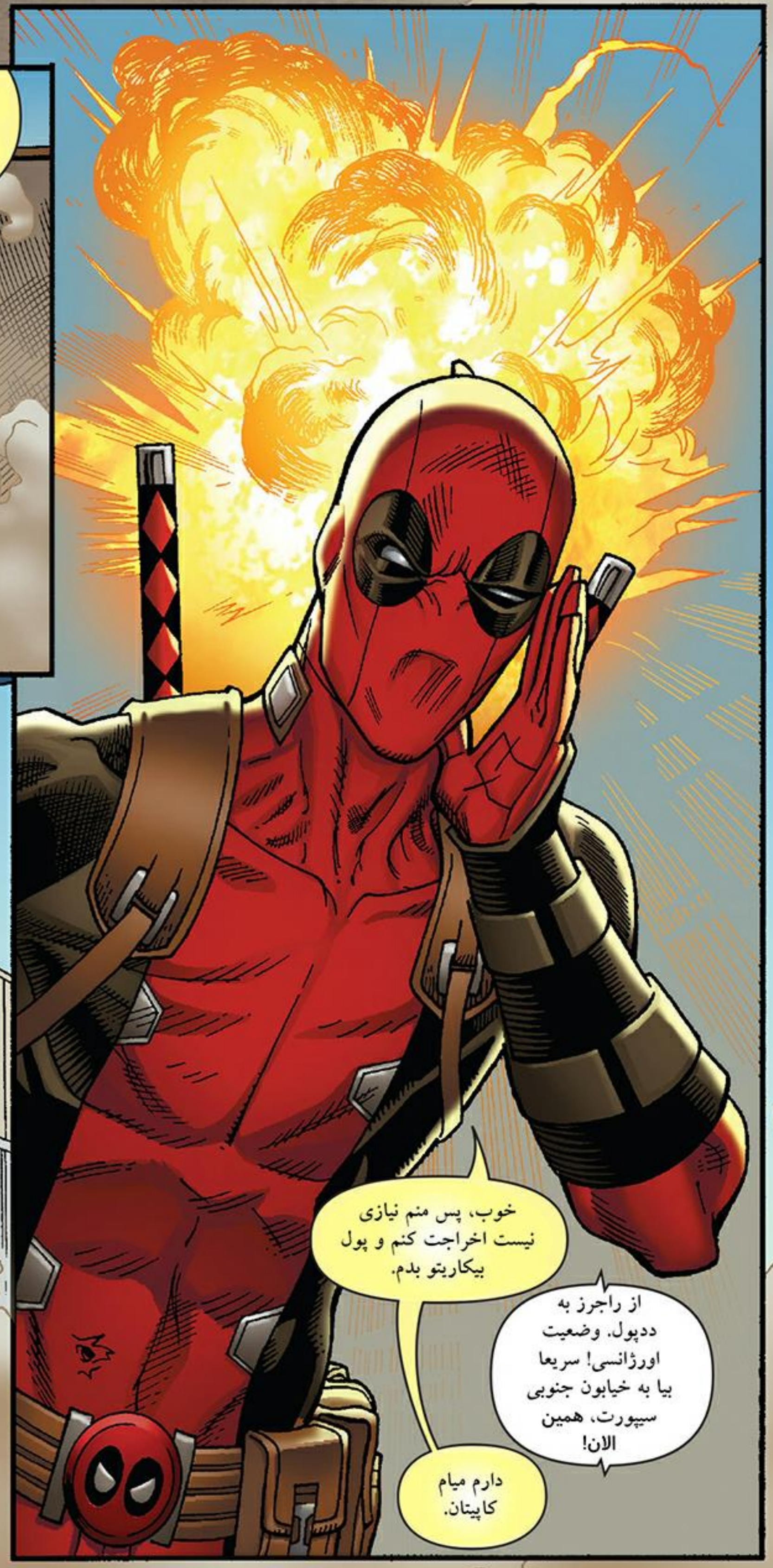
وایی!!



بعد از اینکه تو واشینگتون دی.سی رو نجات دادی حسابی پولدار شدی، ولی خیلی سریعتر از چیزی که پول درمباری داری پولاتو از دست میدی. باید به سری از پولایی که واسه اونچرز گذاشتی کنار، بزاری واسه کار خودت.

اونچرز مثل به سیاه چال میمونه که پول رو درسته میخوره.

تو کار خودتو کردی دیگه. بزار استارک به خودش به جوری خرج اونچرز رو بده.





من ددیولم!
به نام غذا میجنگم!

سفره ماهی، نزار
هم دیگه رو بکشن. این مردم
عقلشون رو از دست
دادن!



واسه ددیول این
کار رو بکن!

.....



این مسخره
بازی چه دیگه؟

اوخیس!



اونموقع که داشتیم
"بزرگی عضویت در اونچرز"
رو بررسی میکردیم یاده؟

آره. تا جایی که
من میدونم، وسطش با یه تماس
ضروری راجع به اینکه
کلینت برتون داشت از پشت بوم
میفتاد، کارمون نیمه تموم موند.
بگیر که اومد.



وید، دارم جدی صحبت میکنم. هر اتفاقی که
داره میفته، ما باید جلوی بزرگ شدن این قضیه رو
بگیریم. یه چیزی یا یه کسی داره اینارو تبدیل به یه
سری غارتشین میکنه، و کاملاً هم واضحه که این
یه حمله ی مستقیم به تونه.

خودم میدونم.
دارم روش کار میکنم.



وای، نه.

چه، میشناسیش؟



آره، اسمش باب هـ.



تو با یه مامور هایدرا دوستی؟؟



خوب، نه، اینطوری نیست که زنگ بزنیم به هم و احوال پرسیم و ... میدونی، اون یه جورایی ... چی میگن بهش ... یه "تیروی کمکی مخفی" هـ؟

جاسوسه؟



میتونی ازش پرسیم ... اگه یه روزی بیدار شد.

آره، آره، خودش. دقیقا همینه. واسه من یه پنجره است به توی هایدرا، و البته واسه تو.

کار هرکی که هست، دقیقا میدونه تو کله ات چه خبره.

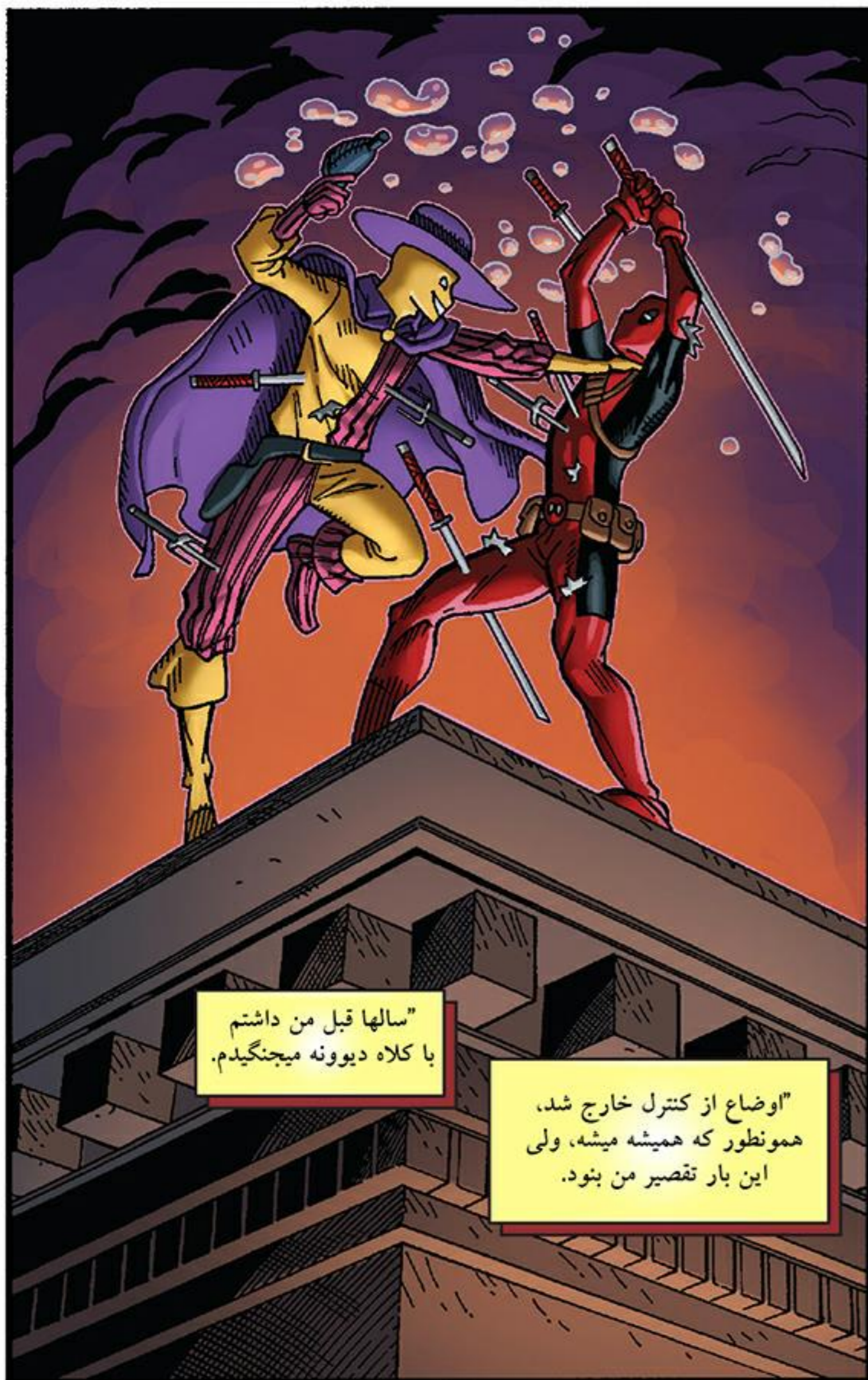


هی، وایسا!



بدتر از اینه کاپیتان.

فکر کنم یکیه که قبل تو کله ام بوده!



"سالها قبل من داشتم
با کلاه دیوونه میجنگیدم.

"اوضاع از کنترل خارج شد،
همونطور که همیشه میشه، ولی
این بار تقصیر من بنود.



"حقیقت اینه که حتی کلاه دیوونه
هم مقصر نبود.



"تور یه رعد بهمون زد و ما
دوتا با هم مخلوط شدیم ... و
کلاه دیوونه تو کله ی من گیر
افتاد ...



"و کله ی من اصلا جای
خوبی واسه بودن نیست"



وای، اینجا خیلی ردیفه!

هیچوقت خفته نمیشی؟



اینتو باش ... موقعی که نور مارو به بترین تیم دونفره تبدیل کرد و یادمه!



کلی قراره خوش بگذره، و کل دنیا رو قراره شاد کنیم.



بوق!

خیلی حس خوبیه که قراره جزئی از داستان تو باشم.



من اصلا اینجا بهم خوش نمیگذره.

میخوام که از کله ام بری بیرون!

SHAK



این ... درد داره؟

فکر نمیکردم که ... تا حالا درد و حس نکرده بودم!



دیگه الان تو کله ی منی، به درد کشیدن عادت کن.



من فک... فکر میکردم که ما دوستیم!

حتما! هرچی بابا!

این بلاییه که سر دوستای من میاد.

"من و کلاه دیوونه بعدا جدا شدیم از هم، و همه اینا درست شد، ولی ..."



ولی مشکل
ایجاد شده بود.

نمیتونه کلاه
دیوونه باشه!

ولی باید
کلاه دیوونه باشه!



کلاه دیوونه!
هیچوقت ازش خوشم
نمومد. باید ترتیش
رو بدیم ...

مطمئنا!
من میروم.

تو خواب
بینی.



باید از بزرگراه
غربی میرفتیم.

من از موقعی که
روزولت رئیس جمهور
بود تو این خیابونا
بودم.



KRAK
KRAK
KRAK



خیلی لطیف
نیست، هست؟

یا حضرت فیل!
این دیوونگیه!!



این اتفاقا... اینا همه مال بعد از اینه که کلاه دیوونه از کله من رفته بود بیرون.

شاید... شاید نکته همیشه؟ من روانشناس نیستم، ولی واضحه که اون وابستست.



من هیچ راهی واسه مقابله به کلاه دیوونه سراغ ندارم.



میدونم. اون درد احساس نمیکنه. بدتش هم بازسازی میشه. به راه... متفاوت نیازه تا بشه جلو شو گرفت.

بچه ها رو جمع کن. چند دقیقه دیگه تو اتاق فرماندهی میبینمتون.

"من میرم جوابای بیشتری بگیرم."

هممممم ...

تظاهر نکن که انگار دلت واسمون تنگ نشده بود!

میدونی که قضیه این نیست. فقط ... میدونی که ... هرچی به من نزدیکتر باشین به مرگ هم نزدیکترین.

خانواده به طور مخفیانه رای داد که از تحت مراقبت در بیاد. الی گفت که ترجیح میده تو نیو یورک بمیره تا اینکه تو آریزونا زندگی کنه.



وقتی اینطوری میگی دیگه همیشه بچنی کرد.

گوش کن، بین تو و کلاه دیوونه چه اتفاقی افتاد؟

اون کلاه دیوونه بود؟؟ چه بلایی سرش اومده؟

خیلی وقت بود که برضد من کار میکرد. ولی با جا زدن خودش به جا من پیش تو کارشو خراب کرد.

مدت زیادی رو تو کله ی من بوده. حالا برگشته که منو نایود کنه.

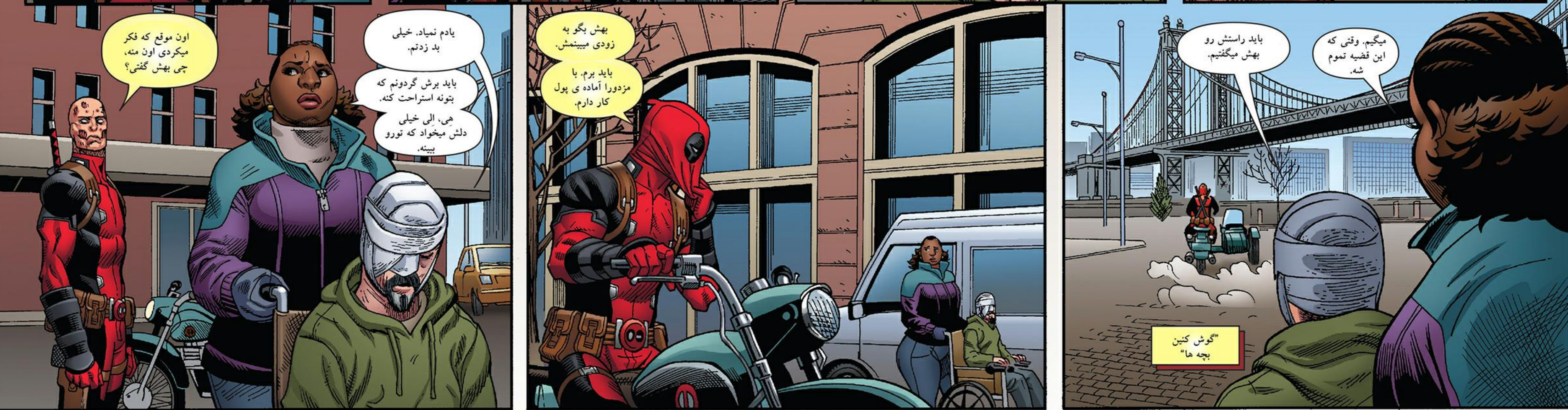


اون موقع که فکر میکردی اون منه، چی بهش گفتی؟

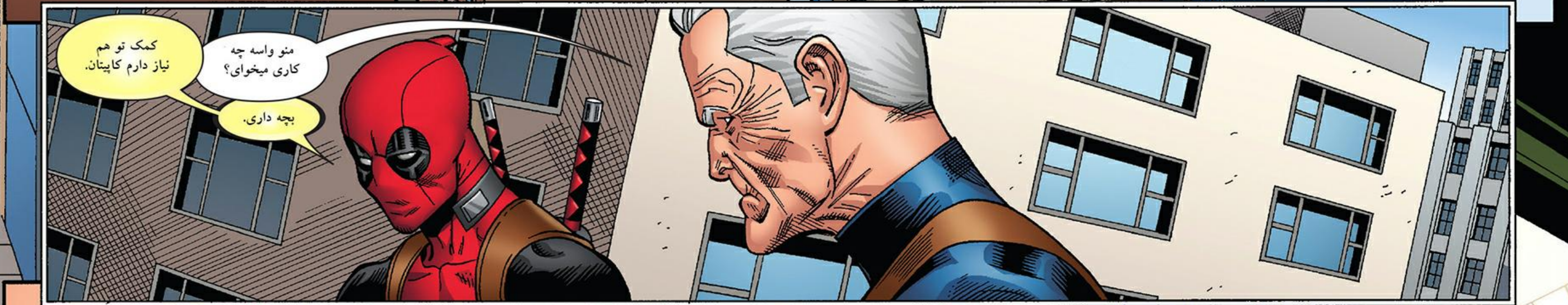
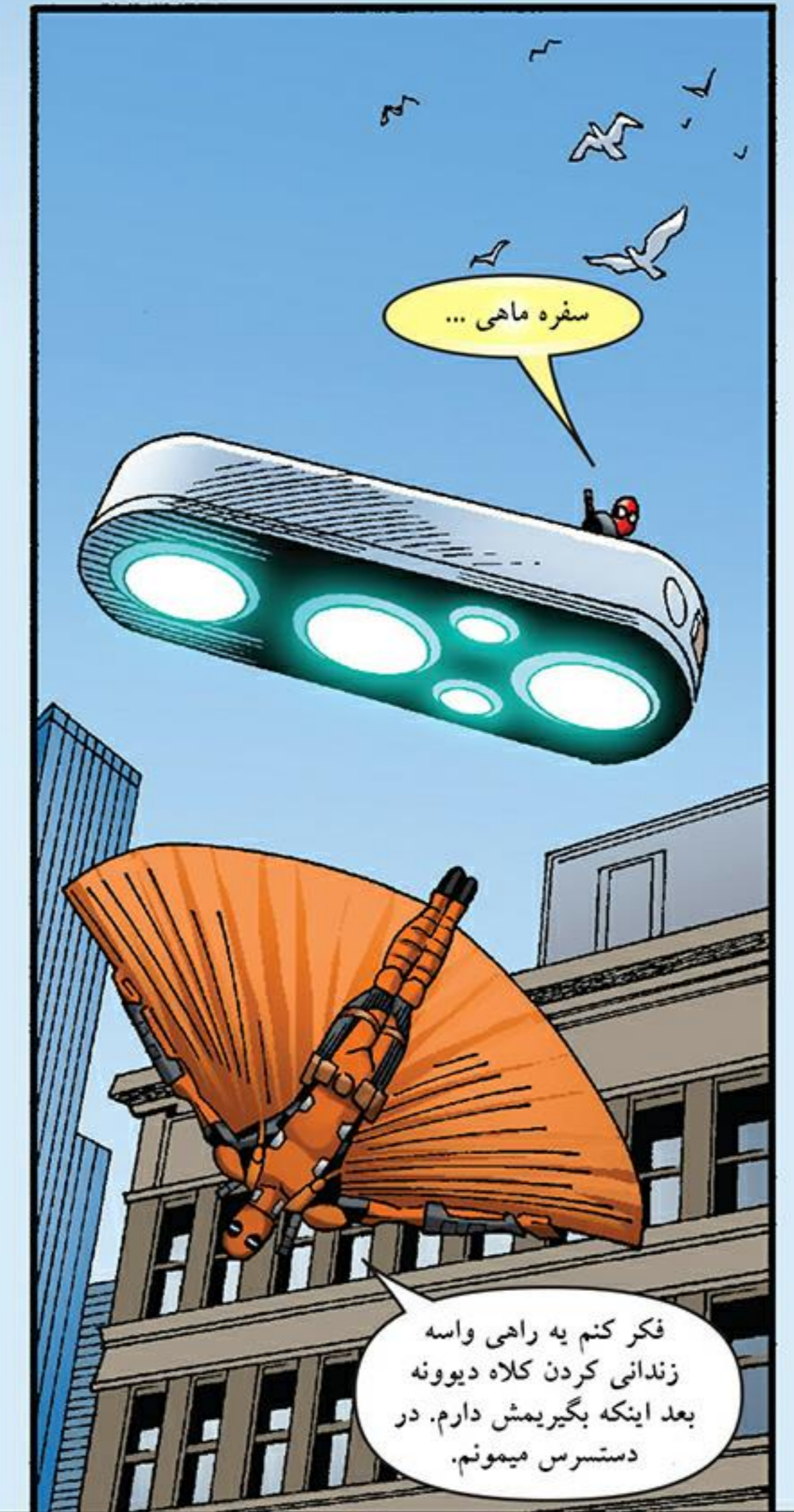
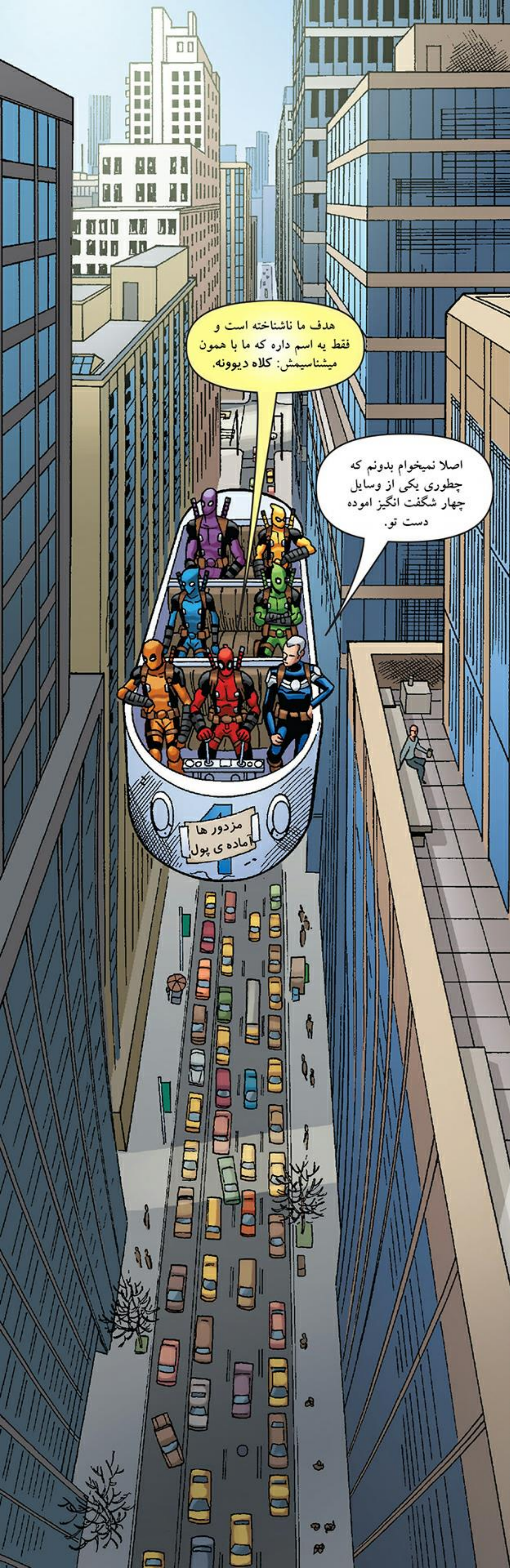
یادم نمیاد. خیلی پد زدم. باید برش گردونم که بتونه استراحت کنه. هی، الی خیلی دلش میخواه که تورو ببینه.

بهش بگو به زودی میبینمش. باید برم. با مزدورا آماده ی پول کار دارم.

میگم، وقتی که این قضیه تموم شه. باید راستش رو بهش میگفتم.



"گوش کنین بچه ها"





بوق!

من درد حالیم نیست، هیچکس حریف من نیست، بریم دیریم دارام دیرام دارام شهر رو قرمز کنیم بره.



به عشق من ملحق شین.

ما میخوایم که همه مردم نیو یورک بمیرن ... به سخت ترین راه ممکن!



تو به اسلحه میگیری، و تو هم به اسلحه میگیری.



پس برید اون بیرون و به کاری کنین مردم دوباره از ددپول بترسن!!

ترجمه شده در:

کمیک سینتی

مراجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: www.comic-city.ir

کانال ما در تلگرام: @ComicCityIR

COMIC CITY